



مدد حقوق



شماره چاپی: ۱۸۴۱-۲۷۸۳
شماره الکترونیکی: ۱۹۳۲-۲۷۸۳

دوره ۸ - شماره ۲۵ - پاییز ۱۴۰۴

- امکان‌سنجی تحقق جنایت علیه بشریت از رهگذر تحریم‌های اقتصادی یکجانبه آمریکا علیه ایران
همایون مافی، مرتضی پورعزیز
بررسی قراردادهای هوشمند مبتنی بر بلاکچین از منظر کنوانسیون بیع بین‌المللی کالا
آریا ابراهیمی، سبحان طیبی
هوش مصنوعی و نظام حقوق کیفری: تحلیل مسئولیت‌ها و پیامدها
هادی جمشیدی فر، مهدی جعفریان، رقیه جعفریان
تحول دادرسی کیفری در پرتو عدالت دیجیتال: کارکرد هم‌افزایانه فناوری‌های نو ظهور
سیدعلیرضا میرکمالی، سیدمصطفی حسینی دستجردی
وضعیت حقوقی اختراع مشترک و میزان مالکیت و نحوه تصرف مخترعین در آن
سعید مولوی، نرجس دریانی چلچله
تعهدات قراردادی در تجارت الکترونیک فرامرزی و چالش‌های اجرای آن در داوری بین‌المللی با تأکید بر معاهدات بین‌المللی
احسانه وثوقی منفرد، محمدعلی کفایی فر
تحلیلی بر دخالت نظریه‌های اخلاقی در حقوق کیفری
ایرج مروتنی، سعید احمدی، نگین بهادری جهرمی
لژوم جرم انگاری نگهداری ماینر در ایران (مطالعه تطبیقی)
مهدی رجائیان، شادی چگینی
ارتباط کرامت انسانی و اهداف مجازات‌ها در حقوق کیفری
امیرحسین ابوالحسنی، ستار فخرایی، زینب قادری
واکاوی مفهوم «احق بالولد» در روایات امامیه: نقدی بر انگاره «حضانت» در فقه و حقوق خانواده
حجت اله دهقانی
سامانه جامع حقوقی شرکت ملی نفت ایران «سحن»: تحولی راهبردی در حکمرانی حقوقی هوشمند صنعت نفت ایران
سیدحجت الله علم الهدی، محمد مهدی اسدی
اصول اساسی بیمه و نتایج آن بر قصد اضرار
محمد کمالی، محمدعلی جهانی، حمیدرضا سلیمی
واکاوی علل بزهکاری اطفال و نوجوانان در حقوق کیفری ایران
سیداحمد پیروندیزی، امیررضا محمودی
بررسی اعتبار و قابلیت استناد ابزارهای ارتباطی نوین در فرایند اثبات جرم در نظام حقوقی ایران
علیرضا باقری حسن آبادی
مسئولیت کیفری سردفتران اسناد رسمی: تحلیل چالش‌های قانونی و راهکارهای پیشگیرانه در نظام ثبتی ایران
ایوب رحیمی
مفهوم منفعت عمومی در پرتو فایده‌گرایی جان استوارت میل و مقایسه آن با اندیشه جرمی بنتام
احمدرضا سلطانیان
مسئولیت مدنی در قبال ربات‌ها و هوش مصنوعی: چالش‌ها و راهکارهای حقوقی در عصر فناوری‌های نوین
چیران ابراهیمی
سیاست‌گذاری حمایت مدار در قبال بزه دیدگی زنان در خانواده با تأکید بر تحولات جدید
محبوبه طالبی رستمی
تأثیر روانشناسی جنایی در ارتکاب جرم در حقوق ایران و فرانسه
وحید کیومرثی
مسئولیت دولت‌ها در قبال نقض حقوق بشر توسط شرکت‌های امنیتی خصوصی در مأموریت‌های خارجی
مهدی قره داغی، مسعود سرفرازی صالح
مطالعه فقهی و حقوقی شرط بازگشت موقوفه به ملک واقف
حبیب اله عبدالله پور، حمیدرضا نام آور
تحلیلی بر جنایت‌های محیط زیستی تجاوز ایالات متحده آمریکا و رژیم اسرائیل علیه جمهوری اسلامی ایران
جواد چراغی
تحلیل حقوقی نقش مشاوران املاک در حفظ حقوق مالکیت زمین و چالش‌های اجرایی آن در ایران
محمد احمدی
مقابله دادگاه کیفری بین‌المللی با گسترش جنایت داعش
جواد دشتیان
قابل استناد بودن کنوانسیون نیویورک در داوری تجاری بین‌المللی ایران و موافقتنامه داوری با تأکید بر مفهوم تجاری
علی باباپور همراهلو، پویا بنی هاشم
مالکیت و بهره برداری از آب‌ها در نظام حقوقی ایران
احمد پدیدار، یاسر صیادپور
حق فراموش شدن و آثار آن بر روابط قراردادی در بلاکچین‌های عمومی: تحلیل تطبیقی حریم خصوصی داده‌ها در حقوق ایران و اروپا
عارفه قاسم زاده ده آبادی
بررسی ماهیت حقوقی قرارداد ساخت، اجاره و انتقال (بی.ال.تی)
نقش وکیل در تحقیقات مقدماتی در قانون آیین دادرسی کیفری
علیرضا درانی
شناسایی و اولویت بندی عوامل سیاسی-اجتماعی موثر بر تکیه‌گری در زاهدان
محمدکمال دادرسی
مسئولیت مدنی دولت نسبت به خسارات ناشی از اطلاع دادرسی
علی فراحی
تأثیر سیاست‌گذاری‌های اقتصادی دولت‌ها بر آزادی قراردادی در بازارهای خصوصی
رامدهر رحمانی گل افشان
مروری تاریخی بر جرم انگاری در قبال جرائم نیروهای مسلح
یاسر شاکری



The Impact of Criminal Psychology on Committing Crimes in Iranian and French Law

تأثیر روانشناسی جنایی در ارتکاب جرم در حقوق ایران و فرانسه

Vahid Kioumars

PhD researcher in criminal law and criminology, Faculty of Humanities, lecturer at Islamic Azad University, Central Tehran Branch, Tehran, Iran

وحید کیومرثی

پژوهشگر دکتری حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، مدرس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

vahidkioumars@yahoo.com

<http://orcid.org/0009-0006-7951-2990>

Abstract

Criminal psychology is a branch of psychology that focuses on the psychological, personality, and behavioral factors that affect the commission of a crime, analyzing the individual roots of delinquency. By examining the psychological states of criminals, deviant behavioral patterns, and the mental structure of criminals, this science plays an important role in a deeper understanding of the nature of crime and the motivations for committing it. In criminal law, criminal psychology can be used as a tool to identify, prevent, and even treat criminal tendencies. Iran and France each benefit from this knowledge in some way, but the extent, structure, and manner of its use differ from each other. This research seeks to answer the question of what effect criminal psychology has on the commission of a crime and how do the Iranian and French legal systems use its capacities in the criminal process? The aim of the present study is to comparatively examine the extent and manner of using criminal psychology in the analysis, prevention, and investigation of crimes in these two countries. The research method is descriptive-analytical and its information was collected using library resources, scientific articles and comparative studies. The findings show that France, by utilizing specialized institutions, criminal psychologists and specific legal procedures, has provided a more effective position for this science in the criminal process; while in Iran, the application of criminal psychology is limited and often summarized in the form of a forensic psychiatry degree. As a result to improve the level of criminal justice and effectively prevent crime, it is necessary for the Iranian penal system to provide the basis for institutionalizing the application of criminal psychology by modeling itself on more advanced structures such as France.

Keywords: Criminal Psychology, Crime Commission, Psychological Assessment, Legal Adaptation, Analysis of Criminal Behavior.

چکیده

روانشناسی جنایی شاخه‌ای از علم روانشناسی است که با تمرکز بر عوامل روانی، شخصیتی و رفتاری مؤثر در ارتکاب جرم، به تحلیل ریشه‌های فردی بزهکاری می‌پردازد. این علم با بررسی وضعیت‌های روانی مجرمان، الگوهای رفتاری انحرافی و ساختار ذهنی بزهکاران، نقش مهمی در درک عمیق‌تر از ماهیت جرم و انگیزه‌های ارتکاب آن ایفاء می‌کند. در حقوق کیفری، روانشناسی جنایی می‌تواند به‌عنوان ابزاری برای شناسایی، پیشگیری و حتی درمان تمایلات بزهکارانه مورد استفاده قرار گیرد. کشورهای ایران و فرانسه، هر یک به نحوی از این دانش بهره می‌برند، اما میزان، ساختار و نحوه بهره‌گیری از آن با یکدیگر متفاوت است. این پژوهش در پی پاسخ به این پرسش است که روانشناسی جنایی چه تأثیری بر ارتکاب جرم دارد و نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه چگونه از ظرفیت‌های آن در فرایند کیفری استفاده می‌کنند؟ هدف پژوهش حاضر، بررسی تطبیقی میزان و نحوه به‌کارگیری روانشناسی جنایی در تحلیل، پیشگیری و رسیدگی به جرائم در این دو کشور است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و اطلاعات آن با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، مقاله‌های علمی و مطالعات تطبیقی گردآوری شده است. یافته‌ها نشان می‌دهند که کشور فرانسه با بهره‌گیری از نهادهای تخصصی، روانشناسان جنایی و رویه‌های قانونی مشخص، جایگاه مؤثرتری برای این علم در فرایند کیفری فراهم کرده است؛ در حالی که در ایران، کاربرد روانشناسی جنایی محدود و اغلب در قالب کارشناسی روانپزشکی قانونی خلاصه می‌شود. در نتیجه برای ارتقاء سطح عدالت کیفری و پیشگیری مؤثر از جرم، ضروری است که نظام کیفری ایران با الگوبرداری از ساختارهای پیشرفته‌تر مانند فرانسه، زمینه نهادینه‌سازی کاربرد روانشناسی جنایی را فراهم سازد.

واژگان کلیدی: روانشناسی جنایی، علوم جنایی، ارتکاب جرم، ارزیابی روانی، تحلیل رفتار مجرمانه.

Received: 2025/10/19 - Review: 2025/10/26 - Accepted: 2025/12/10

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۱۹ - بررسی مقاله: ۱۴۰۴/۱۰/۲۶ - پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۱۲/۱۰

ارجاع:

کیومرثی، وحید؛ (۱۴۰۴)، تأثیر روانشناسی جنایی در ارتکاب جرم در حقوق ایران و فرانسه، شماره ۲۵.

Copyrights:

Copyright for this article is retained by the author (s) , with publication rights granted to Legal Civilization. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>) , which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



CC BY-NC-SA

COPE COMMITTEE ON PUBLICATION ETHICS

مقدمه

روانشناسی جنایی، علمی است که به مطالعه و تجزیه و تحلیل شخصیت مجرمان و کشف ریشه‌های رفتارهای مجرمانه می‌پردازد. این حوزه، عوامل متعددی را در نظر می‌گیرد تا به درک عمیق‌تری از انگیزه‌های افراد در ارتکاب جرم دست یابد. از جمله این عوامل می‌توان به تاثیرات محیطی، تجربیات دوران کودکی، شرایط اجتماعی و همچنین نقش ژنتیک و سلامت روان اشاره کرد. این علم تلاش می‌کند تا با بررسی این عوامل، چرایی و چگونگی شکل‌گیری شخصیت مجرمان و انگیزه‌های آن‌ها را آشکار سازد (قنبری، ۱۴۰۱، ۲).

در سال‌های اخیر، روانشناسی جنایی به‌عنوان یک حوزه مهم و تأثیرگذار در سیستم قضایی و حقوقی ظهور کرده است. این علم که شاخه‌ای از روانشناسی کاربردی است، به بررسی ابعاد روانی جرم و جنایت و همچنین شخصیت و حالات ذهنی مجرمان می‌پردازد. در گذشته، توجه اندکی به عوامل روانی و حالات درونی مجرمان می‌شد و صدور احکام قضایی صرفاً بر اساس جرم مرتکب‌شده بود. با این حال، با پیشرفت علم روانشناسی و آگاهی بیشتر از تأثیر عوامل روانی بر رفتار انسان، نگرش‌ها تغییر کرد. امروزه، مراجع قانونی و محاکم قضایی به اهمیت درک حالات روانی مجرمان پی برده‌اند. مطالعه روانشناسی جنایی به‌عنوان ابزاری قدرتمند برای درک بهتر مجرمان، انگیزه‌های آن‌ها و عوامل مؤثر در رفتارهای مجرمانه مورد توجه قرار گرفته است. این علم به قضات و متخصصان حقوقی کمک می‌کند تا احکام

عدالانه‌تری صادر کنند و در برخی موارد، به‌شناسایی و درمان مشکلات روانی مرتبط با جرم پردازند (اسکندری و جلیل‌نژاد، ۱۴۰۳، ۱).

این پژوهش با هدف بررسی نقش روانشناسی جنایی در فرایند ارتکاب جرم و ارزیابی نحوه بهره‌گیری نظام‌های حقوقی ایران و فرانسه از ظرفیت‌های این علم در سطوح مختلف دادرسی کیفری انجام می‌پذیرد. پرسش اصلی پژوهش آن است که روانشناسی جنایی تا چه اندازه در تبیین علل ارتکاب جرم مؤثر واقع می‌شود و نظام‌های کیفری دو کشور چگونه و با چه سازوکارهایی از یافته‌های این حوزه در تحلیل، پیشگیری و رسیدگی به جرائم بهره‌مند می‌گردند؟ در چهارچوب این مطالعه تطبیقی، تلاش می‌شود تا با تبیین نقاط اشتراک و تفاوت در کاربست روانشناسی جنایی، زمینه‌ای برای ارتقاء بهره‌برداری علمی و قضایی از این دانش در نظام حقوقی ایران فراهم گردد.

در نظام‌های کیفری پیشرفته، به‌ویژه کشورهای نظیر فرانسه، کاربرد روانشناسی جنایی به‌عنوان ابزاری مؤثر در کشف حقیقت، ارزیابی مسئولیت کیفری، تعیین شدت مجازات و حتی اتخاذ تدابیر درمانی و بازپرورانه به‌شکل روزافزون مورد توجه قرار گرفته است. در چنین نظام‌هایی، روانشناس جنایی به‌عنوان عضوی از تیم قضایی و در کنار قاضی، وکیل و کارشناس پرونده نقش فعالی ایفاء می‌کند. ارزیابی سلامت روان، تشخیص اختلالات شخصیت، بررسی ظرفیت کنترل رفتار و درک جرم از سوی متهم همگی در فرایند دادرسی و صدور رأی مورد توجه قرار می‌گیرند.

در مقابل، نظام کیفری ایران نیز با تأثیر از تحولات نوین علمی، به‌تدریج به اهمیت بهره‌گیری از رویکردهای روان‌شناختی در رسیدگی‌های کیفری پی برده است. قوانینی همچون قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲، اشاراتی مستقیم یا ضمنی به بررسی شخصیت متهم و عوامل مؤثر در بزه‌دیدگی و بزهکاری دارند. با این حال، چالش‌هایی از قبیل نبود ساختار منسجم، کمبود نیروی متخصص و ضعف در نهادینه‌سازی استفاده از یافته‌های روانشناسی جنایی، مانعی در مسیر بهره‌برداری مؤثر از این علم در نظام قضایی ایران به شمار می‌روند.

مطالعه تطبیقی میان ایران و فرانسه در زمینه به‌کارگیری روانشناسی جنایی، می‌تواند به‌شناسایی کاستی‌ها، الگوپردازی از شیوه‌های موفق و در نهایت ارتقاء کیفیت رسیدگی‌های قضایی کمک شایانی نماید. شناخت دقیق نقش روانشناسی جنایی در سطوح مختلف دادرسی، از مرحله تحقیقات مقدماتی تا

صدور رأی و اجرای حکم، برای ایجاد یک رویکرد عادلانه، انسانی و بازدارنده در پاسخ به پدیده مجرمانه ضروری است. در نتیجه با تحلیل ظرفیت‌های حقوقی و قضایی هر دو کشور، راهکارهایی عملی برای ارتقای کاربست روانشناسی جنایی در نظام عدالت کیفری ایران ارائه می‌شود. به گونه‌ای که عدالت نه فقط در صدور حکم، بلکه در شناخت عمیق‌تر از بزهکار و شرایط ارتکاب جرم، محقق گردد.

۱- مفهوم روانشناسی جنایی

روانشناسی جنایی شاخه‌ای از علوم جنایی تجربی اثباتی است. بر این اساس، تعاریف مختلفی از مفهوم روانشناسی جنایی بیان شده است. به عنوان مثال برخی معتقدند: روانشناسی جنایی علم مطالعه شخصیت تبه‌کار و شناخت دلایل و انگیزه‌های تبه‌کاری است که این دلایل و انگیزه‌ها به شیوه‌های جامعه‌پذیری، اجتماعی شدن، تجربه‌های دوران کودکی و محیط زندگی و همچنین نقش ژنتیک و اختلالات روان شناختی در ایجاد شخصیت فرد تبه‌کار در هنگام اعمال جرم اشاره می‌کند. به بیان دیگر روانشناسی جنایی را می‌توان مطالعه علمی رفتار جنایی و فرایندهای ذهنی‌ای که در ارتکاب جرم نقش دارند، تعریف کرد (بارتول، ۱۴۰۲، ۲۱). برخی دیگر معتقدند: روانشناسی جنایی شاخه‌ای از دانش روانشناسی است که به عوامل روانی مربوط به جرم و بزهکاری می‌پردازد. روانشناسی جنایی علم مطالعه شخصیت بزهکاران و نیز روش‌های بازاجتماعی شدن آنان و بررسی نقش محیط^۱ بر رفتار مجرمانه است (گسن، ۱۳۷۰، ۲۱).

بنابراین، با این تعاریف مشخص می‌شود: روانشناسی جنایی، با تمرکز بر پیشگیری از جرم، نقش حیاتی در شناسایی ریشه‌های رفتارهای مجرمانه دارد. این رشته به بررسی شخصیت مجرمان، درک تمایلات ضداجتماعی و تحلیل عوامل محیطی و اکتسابی مرتبط با این گرایش‌ها می‌پردازد. هدف اصلی، درک سیر تکاملی این رفتارها از شکل‌گیری تا اجرا است. روانشناسی جنایی همچنین به ارزیابی میزان مسئولیت و آگاهی مجرمان در ارتکاب جرم می‌پردازد و نقش ناخودآگاه را در فقدان مسئولیت کیفری بررسی می‌کند. این علم، با هدف اصلاح و بازپروری مجرمان، به طراحی برنامه‌های درمانی و توان‌بخشی می‌پردازد تا خطر تکرار جرم را کاهش دهد. روانشناسان جنایی، با تحقیق در مورد عوامل روان شناختی مرتبط با جرم، به پیشگیری از وقوع جرم و کمک به جامعه در دستیابی به سعادت فردی و اجتماعی کمک می‌کنند.

۱-۱- تعریف جرم‌شناسی

جرم‌شناسی یکی از شاخه‌های علمی میان‌رشته‌ای است که به مطالعه منظم، نظام‌مند و علمی پدیده جرم، علل ارتکاب آن، شخصیت بزهکار، شرایط اجتماعی و فردی منجر به بزه و واکنش جامعه نسبت به بزهکاری می‌پردازد. این دانش، برخلاف حقوق کیفری که بیشتر به تعریف قانونی جرم و تعیین مجازات‌ها می‌پردازد، به چرایی و چگونگی وقوع جرم توجه دارد و تلاش می‌کند از منظرهای گوناگون روان‌شناختی، جامعه‌شناختی، زیست‌شناختی و حتی اقتصادی به تحلیل علل ریشه‌ای بزهکاری بپردازد (کی‌نیا، ۱۴۰۳، ۱۱۵).

در جرم‌شناسی، جرم صرفاً یک رفتار ناقض قانون نیست، بلکه پدیده‌ای اجتماعی است که در بستر زمان، مکان، فرهنگ و ساختارهای اجتماعی معنا پیدا می‌کند. بنابراین، بررسی جرم خارج از چهارچوب‌های صرفاً حقوقی و در قالب تحلیل‌های عمیق انسانی، اجتماعی و روانی صورت می‌گیرد (کی‌نیا، ۱۴۰۳، ۳۶۰). جرم‌شناسی بر اساس داده‌های تجربی و میدانی عمل می‌کند و در تلاش است تا با استفاده از روش‌های آماری، مطالعات موردی و مشاهده‌های مستقیم، واقعیت‌های مربوط به رفتار مجرمانه را کشف و تحلیل کند. از سوی دیگر، جرم‌شناسی تنها به تحلیل جرم بسنده نمی‌کند، بلکه به پیشگیری از جرم نیز توجه دارد. این دانش می‌کوشد تا با شناسایی عوامل خطر و زمینه‌های مساعد بزهکاری، راهکارهایی برای پیشگیری اجتماعی، وضعی و فردی ارائه دهد. همچنین، به بررسی کارایی نهادهای عدالت کیفری، میزان بازدارندگی مجازات‌ها، وضعیت زندان‌ها و فرایند بازپروری بزهکاران نیز می‌پردازد.

جرم‌شناسی با هدف کاهش بزهکاری، به کارگیری سیاست‌های کیفری مؤثرتر و تحقق عدالت اجتماعی، نقشی کلیدی در طراحی راهبردهای جنایی ایفاء می‌کند. این دانش، به‌ویژه در دهه‌های اخیر، با گسترش پژوهش‌های علمی و بین‌رشته‌ای، از جایگاهی حیاتی در سیاست‌گذاری‌های جنایی و اصلاح نظام‌های کیفری برخوردار شده است (Tierney & Maggie, 2013, 67).

۲-۱. جامعه‌شناسی جنایی

جامعه‌شناسی جنایی شاخه‌ای تخصصی از جامعه‌شناسی است که به مطالعه علمی و تجربی پدیده جرم به‌عنوان یک واقعیت اجتماعی می‌پردازد. این حوزه به بررسی ساختارها، نهادها، روابط اجتماعی و شرایط

فرهنگی‌ای می‌پردازد که در شکل‌گیری و گسترش رفتارهای مجرمانه نقش دارند. برخلاف دیدگاه‌های فردمحور که جرم را حاصل نقص در شخصیت یا روان فرد می‌دانند، جامعه‌شناسی جنایی، علت جرم را در بیرون از فرد و در بستر اجتماعی او جست‌وجو می‌کند (Kikalishvili, 2015, 46)

در این رویکرد، جرم به‌عنوان واکنشی اجتماعی و محصول تعاملات انسانی در بستر نابرابری‌های اقتصادی، تبعیض‌های ساختاری، بحران‌های هویتی، ضعف نهادهای اجتماعی‌ساز مانند خانواده و مدرسه و فروپاشی پیوندهای اجتماعی تفسیر می‌شود. جامعه‌شناسی جنایی به جای تمرکز بر مجازات مجرمان، بیشتر به دنبال شناخت زمینه‌های اجتماعی‌ای است که جرم در آن‌ها معنا و امکان وقوع پیدا می‌کند. این علم، مفاهیمی مانند بی‌سازمانی اجتماعی، نظریه برچسب‌زنی، فشار ساختاری، تضاد طبقاتی، آنومی و ناکامی نسبی را به‌عنوان چهارچوب‌های نظری خود به کار می‌گیرد.

برای مثال، نظریه بی‌سازمانی اجتماعی نشان می‌دهد که محله‌هایی با سطح بالای فقر، جابه‌جایی جمعیتی و ضعف کنترل‌های اجتماعی غیررسمی، بیشتر مستعد بروز رفتارهای مجرمانه هستند (Lilly, 2018, 375). نظریه فشار ساختاری نیز بر این نکته تأکید دارد که وقتی افراد نتوانند از طریق مسیرهای مشروع به اهداف اجتماعی مانند موفقیت اقتصادی دست یابند، ممکن است به رفتارهای غیرقانونی روی آورند. همچنین، نظریه تضاد اجتماعی جرم را نتیجه تعارض منافع بین طبقات حاکم و فرودست معرفی می‌کند؛ به این معنا که قوانین کیفری اغلب در راستای حفظ منافع گروه‌های قدرتمند تدوین می‌شوند و اعمال مجرمانه در بسیاری از موارد، واکنشی به این نابرابری‌ها است (Scheff, 2019, 253).

جامعه‌شناسی جنایی نه تنها به علل اجتماعی جرم می‌پردازد، بلکه به واکنش جامعه و نهادهای آن نسبت به بزه نیز توجه دارد. در این زمینه، مفاهیمی مانند ساختارهای رسمی عدالت کیفری، تأثیر رسانه‌ها در بازنمایی جرم و نقش جامعه مدنی در سیاست‌گذاری کیفری مورد بررسی قرار می‌گیرد. این شاخه علمی به تحلیل چگونگی برساخته شدن مفهوم مجرم، تأثیر طبقه اجتماعی، جنسیت و نژاد در برخورد نهادهای کیفری با بزه‌کاران و مشروعیت اجتماعی مجازات‌ها نیز می‌پردازد.

جامعه‌شناسی جنایی به‌صورت بنیادی، دیدگاهی نقادانه به نظام عدالت کیفری دارد و تلاش می‌کند با تحلیل اجتماعی دقیق جرم و پاسخ‌های اجتماعی به آن، راهکارهایی مبتنی بر عدالت اجتماعی و اصلاح ساختارهای اجتماعی ارائه دهد. این رویکرد، به جای تمرکز صرف بر کنترل رسمی جرم، به تقویت

سرمایه اجتماعی، عدالت توزیعی و کاهش نابرابری‌های اجتماعی به‌عنوان راهبردهای پیشگیرانه توجه دارد (Akers, 2013, 216).

۱-۳- شخصیت جنایی

شخصیت جنایی مفهومی است که به ویژگی‌های روانی، رفتاری و گاهی زیستی افرادی اشاره دارد که گرایش مستمر و پایدار به ارتکاب اعمال مجرمانه از خود نشان می‌دهند. این مفهوم در تقاطع رشته‌های روانشناسی جنایی، روان‌پزشکی قانونی و جرم‌شناسی قرار دارد و هدف آن، تحلیل ساختارهای ذهنی، ویژگی‌های شخصیتی و الگوهای رفتاری‌ای است که می‌توانند با ارتکاب مکرر یا خشن جرم ارتباط داشته باشند. شخصیت جنایی نه صرفاً به معنای ارتکاب یک جرم، بلکه به معنای شکل‌گیری الگوی پایداری از گرایش به نقض قانون، هنجارشکنی و تعارض با ارزش‌های اجتماعی است (Bonta & Donald, 2023, 98).

مطالعات تجربی و نظریه‌های کلاسیک و معاصر نشان داده‌اند که شخصیت جنایی را نمی‌توان بر پایه یک عامل منفرد توضیح داد، بلکه مجموعه‌ای از عناصر شناختی، عاطفی، رفتاری و زیستی در کنار محیط اجتماعی و تجربیات دوران کودکی در تکوین آن نقش دارند. نظریه پردازانی مانند «هانس آیزنک» بر این باورند که برخی ابعاد شخصیتی مانند برون‌گرایی شدید، روان‌رنجوری و فقدان وجدان اخلاقی می‌توانند زمینه‌ساز رفتارهای مجرمانه شوند. در نظریه او، افرادی با سطح پایین برانگیختگی قشری مغز، به دلیل نیاز بیشتر به تحرکات بیرونی، گرایش بیشتری به هیجان‌طلبی، خطرپذیری و قانون‌گریزی دارند.

در رویکردهای روان‌تحلیلی، شخصیت جنایی اغلب نتیجه عدم تعادل بین سازه‌های نهاد^۲، خود^۳، و فراخود^۴ دانسته می‌شود.^۵ در این نگاه، ضعف فراخود یا وجدان اخلاقی که معمولاً در نتیجه تجربه‌های خانوادگی ناکارآمد مانند فقدان محبت والدین، غفلت، یا سوءاستفاده عاطفی به وجود می‌آید به کاهش توانایی فرد در کنترل امیال آنی و پرخاشگرانه منجر می‌شود. این افراد در برابر احساس گناه و بازدارنده‌های اخلاقی کمتر حساس‌اند، بنابراین احتمال بیشتری دارد که برای دستیابی به خواسته‌های خود، هنجارهای اجتماعی را نقض کنند.

2- id

3- ego

4- superego

۵- این سه عبارت نخستین بار توسط زیگموند فروید در نظریه روان‌کاوی مطرح شدند

در مطالعات مربوط به اختلالات شخصیت، ارتباط نزدیکی میان برخی اختلال‌ها و گرایش به ارتکاب جرم مشاهده شده است. اختلال شخصیت ضداجتماعی^۶ یکی از شایع‌ترین اختلال‌هایی است که با الگوی مکرر قانون‌شکنی، بی‌توجهی به حقوق دیگران، ناتوانی در احساس پشیمانی و فریبکاری همراه است. بسیاری از مجرمان مزمن یا خشن به‌ویژه در زندان‌ها، معیارهای این اختلال را دارا هستند. این افراد معمولاً فاقد همدلی، مسئولیت‌پذیری و ثبات هیجانی هستند و در تعاملات اجتماعی‌شان از الگوهای سوءاستفاده‌گرایانه استفاده می‌کنند (Silver, 2019, 161).

برخی شواهد تصویربرداری مغزی نیز حاکی از آن است که اختلال در عملکرد نواحی خاصی از مغز مانند قشر پیش‌پیشانی^۷ و آمیگدال ممکن است با ضعف در کنترل تکانه‌ها، تنظیم هیجان‌ها و تصمیم‌گیری اخلاقی مرتبط باشد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که پایه‌های عصبی و شناختی نیز می‌توانند در تکوین شخصیت جنایی نقش داشته باشند، هرچند به‌تنهایی تعیین‌کننده نیستند و همواره در تعامل با عوامل محیطی عمل می‌کنند (Vahia, 2013, 223).

نکته مهم این است که وجود برخی ویژگی‌های شخصیتی یا اختلال‌های روانی لزوماً به معنای بزهکاری نیست، بلکه زمانی که این ویژگی‌ها در یک زمینه اجتماعی خاص مانند فقر، طرد اجتماعی، یا همراهی با گروه‌های منحرف تقویت شوند، خطر تبدیل شدن به الگوی رفتاری بزهکارانه افزایش می‌یابد. بنابراین، شخصیت جنایی مفهومی پویا و چندبعدی است که نیازمند تحلیل جامع‌نگر از فرد، روان، جامعه و زیست‌شناسی او است و نمی‌توان آن را به یک ویژگی ثابت و تغییرناپذیر فروکاست.

۲- نقش روانشناسی جنایی در مراحل دادرسی قضایی

علم روانشناسی جنایی، ابزاری قدرتمند در دادرسی‌های قضایی است که درک عمیق‌تری از جرائم و عاملان آن به دست می‌دهد. این علم، با بررسی‌های روان‌شناختی، به‌شناسایی مجرمان و ارائه راهکارهایی برای پیشگیری از جرم و حمایت از قربانیان کمک می‌کند. همچنین، در اصلاح و بازپروری مجرمان نیز نقش مؤثری دارد. با توسعه و به‌کارگیری روش‌های نوین روانشناسی جنایی، سیستم قضایی می‌تواند به سمت عدالت و بهبود امنیت گام بردارد. این رشته، با ارائه راهکارهای عملی،

6- Antisocial Personality Disorder

7- prefrontal cortex

به تصمیم‌گیری‌های عادلانه و مؤثر در سیستم قضایی یاری می‌رساند.

یکی از نقش‌های اساسی روانشناسی جنایی در تعیین میزان مسئولیت کیفری متهم است. زمانی که ابهام در سلامت روان فرد وجود دارد، کارشناسان روانشناسی با ارزیابی‌های بالینی، بررسی علائم اختلالات روانی یا اختلالات شخصیت، و تحلیل شرایط زمانی ارتکاب جرم، امکان تشخیص «عدم مسئولیت کیفری» یا «کاهش مسئولیت» را فراهم می‌آورند. این تشخیص‌ها باعث می‌شود قوه قضاییه با درک کامل‌تری نسبت به وضعیت روانی متهم، تصمیماتی مانند اعزام به درمانگاه‌های تخصصی یا اعمال تخفیف در مجازات اتخاذ نماید.

در مرحله دادرسی، روانشناسی جنایی در اعتبارسنجی شهادت‌ها و رفتار شاهدان و متهمان نیز نقش دارد. روانشناسان می‌توانند در ارزیابی صحت ادعاها، تشخیص احتمال دروغ‌گویی یا افتراق حافظه صحنه جرم از خاطرات تحریف شده کمک کنند. این امر از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا تصمیمات قضایی عمدتاً بر اساس شواهد و گفته‌های افراد شکل می‌گیرد و ارائه تحلیل روانی دقیق از صحت و دقت این شواهد می‌تواند از صدور حکم اشتباه جلوگیری کند (کانتر، ۱۴۰۳، ۳۲۰).

نظر کارشناسان روانشناسی جنایی می‌تواند در فرایند صدور حکم تأثیرگذار باشد، به‌ویژه در تعیین میزان خطر بازگشت به جرم، نیازهای درمانی و بازپروری متهم و نیز تعیین شرایط اجرای مجازات. بررسی‌های تخصصی روانی کمک می‌کند تا اقدامات اصلاحی و پیشگیرانه مناسب برای کاهش احتمال تکرار جرم طراحی شود و در نتیجه به هدف عدالت کیفری و کاهش جرم‌خیزی نائل آمد.

همچنین، روانشناسی جنایی در حمایت از قربانیان جرم نیز جایگاه مهمی دارد. ارزیابی‌های روانی از قربانیان برای شناخت آسیب‌های روانی، ارائه مشاوره تخصصی و کمک به آنان در روند دادرسی، موجب افزایش عدالت و حمایت‌های روانی مؤثر می‌شود. از سوی دیگر، استفاده از تکنیک‌های خاص مصاحبه و بررسی روانی می‌تواند به جمع‌آوری بهتر و دقیق‌تر اطلاعات از شاهدان و قربانیان منجر شود. روانشناسی جنایی به‌عنوان پلی میان دانش روانشناسی و حقوق کیفری، به ارتقاء کیفیت دادرسی، تضمین حقوق متهم و قربانی، و اتخاذ تصمیمات مبتنی بر دانش و شواهد علمی کمک می‌کند. جایگاه این علم در نظام قضایی، هم به‌عنوان ابزاری تحلیلی و هم به‌عنوان تضمین‌کننده عدالت و کاهش خطاهای قضایی بسیار کلیدی و غیرقابل جایگزین است (محمدیان و محمدرضاپور، ۱۳۹۲، ۳۳۰).

۲-۱- مرحله کشف جرم

با پیشرفت فناوری و علوم مختلف، روش‌های کشف جرم نیز تکامل یافته‌اند. امروزه، علم و تکنولوژی ابزارهای قدرتمندی برای شناسایی صحنه جرم و مجرمین ارائه می‌کنند. از میکروسکوپ و دوربین‌های پیشرفته تا آزمایش‌های خونی، آنالیز دی‌ان‌ای^۱ و روش‌های روانشناسی، همه در خدمت کشف حقیقت و عدالت هستند. اقرار، طبق قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، یکی از راه‌های اثبات جرم است، اما پیچیدگی‌های آن را نباید نادیده گرفت.

مرحله کشف جرم نخستین و حساس‌ترین گام در فرایند دادرسی کیفری است که به شناسایی اولیه و اعلام وقوع جرم اختصاص دارد و نقطه آغاز مداخله نظام عدالت کیفری محسوب می‌شود. این مرحله زمانی آغاز می‌شود که یکی از مظاهر وقوع جرم^۲ توجه مقامات ذیصلاح قضایی یا انتظامی را جلب می‌کند و ضرورت بررسی صحت و وقوع جرم و شناسایی مرتکب احساس می‌شود. در این مرحله، هدف صرفاً جمع‌آوری اطلاعات اولیه پیرامون واقعه مجرمانه است، نه بررسی کامل عناصر جرم یا اقامه دعوا.

کشف جرم ممکن است به طرق مختلف انجام شود. گاهی توسط مأموران ضابط دادگستری از طریق گشت‌زنی یا اقدامات اطلاعاتی صورت می‌گیرد. در برخی موارد، شاکی یا بزه‌دیده شخصاً وقوع جرم را گزارش می‌دهد. همچنین گزارش‌های مردمی، شکایات رسمی، یا مشاهده آثار عینی جرم مانند جسد، آثار تخریب، سرقت یا علائم خشونت می‌توانند موجب کشف جرم گردند. این مرحله با اقدامات سریع، ابتدایی و بدون تأخیر همراه است؛ زیرا تأخیر در کشف جرم می‌تواند منجر به از بین رفتن دلایل و شواهد حیاتی شود.

در فرایند کشف جرم، مقامات انتظامی نقش کلیدی دارند. آنان موظف‌اند با رعایت ضوابط قانونی، از صحنه جرم محافظت کنند، شواهد فیزیکی را گردآوری نمایند، از افراد حاضر در محل تحقیق اولیه به‌عمل آورند و گزارش رسمی تهیه کنند. در مواردی که جرم مشهود است، ضابطان دادگستری اختیار دخالت مستقیم دارند و می‌توانند اقدام به بازرسی، توقیف اشیاء و در صورت لزوم، دستگیری مرتکب نمایند. اما در جرائم غیرمشهود، اقدامات محدود به مواردی است که قانون به‌صراحت اجازه داده باشد (مقدسی، ۱۳۹۶، ۸۵۷).

اهمیت مرحله کشف جرم در آن است که اگر این مرحله به درستی و با دقت علمی و حقوقی انجام نشود، تمام مراحل بعدی دادرسی از جمله تحقیقات مقدماتی، تعقیب و صدور حکم ممکن است بر پایه اطلاعات ناقص یا نادرست بنا شود که می‌تواند به صدور حکم ناعادلانه یا تضییع حقوق افراد بینجامد. بنابراین، این مرحله مستلزم رعایت اصول آیین دادرسی کیفری، بهره‌گیری از دانش تخصصی در حوزه‌های جرم‌شناسی، روانشناسی جنایی و فنون کشف جرم است. همچنین، در کشف جرم ممکن است ابزارها و فناوری‌های نوین مانند دوربین‌های مداربسته، سامانه‌های شنود، تحلیل داده‌های دیجیتال یا موقعیت مکانی تلفن همراه مورد استفاده قرار گیرد که این موضوع اهمیت حفظ حریم خصوصی و رعایت حقوق اساسی متهمان و شهروندان را دوچندان می‌سازد. به‌ویژه زمانی که کشف جرم مبتنی بر روش‌های اطلاعاتی، شنود یا عملیات‌های خاص امنیتی باشد، رعایت حدود قانونی در استفاده از این ابزارها و اخذ مجوزهای لازم از مراجع صالح اهمیت حیاتی پیدا می‌کند.

مرحله کشف جرم صرفاً به اقدامات فنی محدود نیست، بلکه باید با تحلیل رفتاری و روان‌شناختی نیز همراه باشد؛ چرا که در بسیاری از موارد، انگیزه مجرمانه، شرایط محیطی، نوع تعامل میان مرتکب و بزه‌دیده، یا حتی نشانه‌های رفتاری خاص، سرنخ‌هایی برای تأیید یا رد وقوع جرم و شناسایی مرتکب فراهم می‌کنند. در نتیجه، این مرحله هم‌زمان به مهارت‌های تجربی و رویکردهای علمی نیاز دارد و نیازمند تعامل منظم میان نیروهای انتظامی، قضایی و در موارد خاص، کارشناسان روانشناسی و جرم‌شناسی است.

باید تأکید کرد که کشف جرم اگرچه به ظاهر مقدمه‌ای بر مراحل بعدی دادرسی است، اما عملاً بنیان آن را شکل می‌دهد. هرگونه اهمال، شتاب‌زدگی، یا استفاده نادرست از روش‌ها در این مرحله ممکن است فرایند تحقق عدالت کیفری را با مخاطره جدی مواجه سازد. از این رو، در نظام‌های پیشرفته حقوقی، آموزش تخصصی مأموران و نهادهای سازوکارهای علمی کشف جرم به‌عنوان یکی از اصول بنیادین تضمین عدالت در سیاست جنایی تلقی می‌شود (سیدین بروجنی و خوانین زاده، ۱۴۰۰، ۲۱۲).

۲-۲- مرحله تعقیب و تحقیقات مقدماتی

روانشناسی جنایی بر مرحله تعقیب و تحقیقات مقدماتی به شکل عمیق و تخصصی در نحوه تحلیل داده‌ها، ارزیابی شخصیت متهم، تشخیص انگیزه‌های مجرمانه و تدوین راهبردهای مواجهه با مظنونین و شاکیان نمود پیدا می‌کند. در این مرحله از فرایند کیفری، اطلاعات اولیه‌ای که می‌تواند مسیر کل پرونده را تعیین

کند، باید با نهایت دقت و شناخت روان‌شناختی از افراد دخیل مورد بررسی قرار گیرد. روانشناسی جنایی، با بهره‌گیری از داده‌های علمی در حوزه رفتارشناسی، شناخت اختلالات شخصیتی، مکانیزم‌های دفاعی، الگوهای دروغ‌گویی، واکنش‌های غیرارادی و رفتارهای غیرکلامی به مقامات قضایی و تحقیقاتی امکان می‌دهد تا از خطاهای ذهنی، سوء‌گیری‌ها و تفسیرهای سطحی دوری کرده و به تحلیل‌های عمیق‌تری از واقعیت‌های موجود در پرونده دست یابند (قاقاهنده، ۱۴۰۲، ۱۲۵).

در مرحله تعقیب، روانشناسی جنایی به دادستان کمک می‌کند تا ارزیابی دقیقی از میزان صداقت شاکی یا انگیزه‌های احتمالی او برای طرح شکایت کاذب یا گزینشی داشته باشد. به‌ویژه در جرائمی مانند کودک‌آزاری، خشونت خانگی یا تعرضات جنسی، تحلیل روانی شرایط بزه‌دیدگان اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چرا که بسیاری از قربانیان به دلایل روانی دچار تأخیر در افشاء یا تغییر در روایت می‌شوند که در ظاهر ممکن است نشانه بی‌اعتباری باشد، اما از منظر روان‌شناختی، پاسخی طبیعی به تروما یا اضطراب پس از حادثه تلقی می‌گردد. در همین راستا، روانشناسان جنایی با ارزیابی بالینی شاکیان، می‌توانند اظهارات آنان را در چهارچوب علمی بسنجند (قاقاهنده، ۱۴۰۲، ۲۱۱).

در مرحله تحقیقات مقدماتی، نقش روانشناسی جنایی پررنگ‌تر و پیچیده‌تر می‌شود. بازپرس یا مقام تحقیق باید از شیوه‌های علمی، غیرفشارآمیز و متناسب با شرایط روانی متهم یا مظنون برای بازجویی استفاده کند. تکنیک‌های مصاحبه شناختی^{۱۱} و ارزیابی‌های رفتاری، ابزارهای مهمی هستند که به کمک روانشناسی جنایی توسعه یافته‌اند. این روش‌ها موجب می‌شوند که اطلاعات دقیق‌تری از مظنونین بدون خدشه به حقوق ایشان و بدون بهره‌گیری از روش‌های غیراخلاقی نظیر تهدید یا فریب، به دست آید. از سوی دیگر، روانشناسی جنایی با ارزیابی ساختار روانی و ویژگی‌های شخصیتی مظنون، امکان تمایز میان متهمانی که دچار اختلالات روانی‌اند با افرادی که صرفاً در شرایط خاصی مرتکب جرم شده‌اند را فراهم می‌کند؛ این تمایز نقش تعیین‌کننده‌ای در تشخیص قابلیت مسئولیت کیفری، ضرورت ارجاع به پزشکی قانونی یا نهادهای درمانی و حتی تصمیم‌گیری درباره صدور قرارهای تأمین متناسب دارد (Hollin, 2006, 113).

همچنین، تحلیل روانی می‌تواند به کشف تناقضات رفتاری در شهادت شهود یا اظهارات مظنون کمک کند. روانشناسی جنایی با استفاده از مدل‌های ارزیابی هیجان، زبان بدن، تغییرات زبانی و شاخص‌های

اضطراب در گفتار، به تحلیل صحت و اعتبار اظهارات کمک می‌کند؛ موضوعی که به‌ویژه در جرائم بدون شاهد عینی یا با شواهد ضعیف، از اهمیت حیاتی برخوردار است. در مواردی نیز که مظنون دچار آسیب‌های روانی، فشارهای عصبی یا اضطراب شدید است، روانشناسی جنایی می‌تواند با پیشنهاد راهکارهای حمایتی و استفاده از تکنیک‌های کاهش تنش، فرایند بازجویی را انسانی‌تر و مؤثرتر سازد.

در نتیجه، حضور و مشارکت تخصصی روانشناسان جنایی در تیم‌های تحقیقاتی و قضایی نه تنها تضمین‌کننده اجرای عدالت کیفری است، بلکه موجب ارتقای سطح علمی تحلیل‌ها، کاهش احتمال بازداشت‌های اشتباه و ارتقای حقوق انسانی افراد در مراحل آغازین فرایند کیفری می‌گردد. بهره‌گیری از روانشناسی جنایی در این مرحله، دستگاه عدالت کیفری را از حالت صرفاً حقوقی و فرمالیستی خارج کرده و آن را به سیستمی انسانی، علمی و مبتنی بر تحلیل رفتاری نزدیک می‌سازد که در آن نه صرفاً وقوع جرم، بلکه شرایط روانی ارتکاب، صداقت بازیگران پرونده و تناسب اقدامات با وضعیت روانی هر فرد به دقت بررسی می‌شود (Granahg, 2008, 200).

۲-۳- شهادت شهود

تأثیر روانشناسی جنایی بر شهادت شهود یکی از موضوعات حیاتی در فرایند رسیدگی کیفری است که مستقیماً بر اعتبار و صحت اقرار و مشاهدات افراد تأثیر می‌گذارد. روانشناسی جنایی، به‌ویژه در زمینه‌های شناختی و رفتاری، نشان داده است که حافظه انسانی به‌طور ذاتی ناپایدار، بازسازنده و مستعد تحریف است. این بدان معنا است که شاهدان عینی، حتی با حسن نیت کامل، ممکن است وقایع را نادرست به یاد بیاورند یا ناخودآگاه جزئیاتی را اضافه یا حذف کنند که هرگز در صحنه جرم وجود نداشته‌اند. عوامل متعددی بر کیفیت شهادت تأثیر می‌گذارند، از جمله استرس، فاصله زمانی بین وقوع جرم و ارائه شهادت، فشار محیطی یا تلقین از سوی بازپرس یا سایر مقامات (Meissner & Albrechtsen, 2009, 344).

یکی از نکات اساسی که روانشناسی جنایی بر آن تأکید دارد، تأثیر پدیده‌هایی مانند «اثر سلاح»^{۱۱} است؛ وضعیتی که در آن حضور سلاح در صحنه جرم باعث می‌شود تمرکز شناختی شاهد بر خود سلاح باشد و در نتیجه جزئیات دیگر مانند چهره مرتکب یا محل دقیق وقوع جرم را به‌درستی درک یا به‌خاطر

11- weapon focus effect

نسیارد. همچنین، مطالعات نشان داده‌اند که بازجویی‌های غیرعلمی و القایی می‌تواند به ایجاد «خاطرات کاذب» در ذهن شاهد بینجامد. به‌ویژه در کودکان و افراد آسیب‌پذیر، خاطرات ممکن است در اثر پرسش‌های هدایت‌شده به شکلی ناخودآگاه بازسازی شوند، به‌طوری‌که فرد به اشتباه باور کند آن چه به یاد می‌آورد واقعاً رخ داده است.

روانشناسی جنایی همچنین ابزارهایی برای ارزیابی اعتبار شهادت ارائه می‌دهد، مانند تکنیک تحلیل محتوای مبتنی بر واقعیت^{۱۲} یا مصاحبه شناختی که با هدف تقویت یادآوری بدون القاء یا تحریف طراحی شده‌اند. استفاده از این روش‌ها به بازپرس کمک می‌کند تا از تلقین ناخواسته بپرهیزد و به جای پاسخ‌های القاء‌شده، اطلاعات واقعی‌تری از شاهد به دست آورد. افزون بر این، متغیرهایی نظیر سن، ویژگی‌های شخصیتی، میزان اعتماد به نفس، سوءگیری‌های فرهنگی و اجتماعی و جایگاه فرد در ساختار قدرت اجتماعی، همگی در کیفیت و محتوای شهادت تأثیر دارند (Hauch, 2017, 819).

روانشناسی جنایی با تحلیل ساختارهای ذهنی، عاطفی و رفتاری شهود هم در مرحله تحقیقات مقدماتی و هم در دادگاه، به نظام قضایی کمک می‌کند تا میان شهادت دقیق، صادقانه و تحریف‌شده تمایز قائل شود. بر این اساس، بدون بهره‌گیری از دانش روانشناسی، قاضی ممکن است شهادت‌هایی را معتبر بداند که از منظر علمی مشکوک یا حاصل سازوکارهای ذهنی غیرقابل اتکاء هستند. بنابراین، تأثیر روانشناسی جنایی نه تنها در سنجش صحت شهادت، بلکه در تفسیر روانی آن، از حیث قصد، انگیزه و حتی واکنش‌های غیرکلامی شاهد نیز بنیادین و غیرقابل چشم‌پوشی است.

۴-۲- صدور و اجرای حکم

صدور و اجرای حکم در فرایند کیفری، نقش مهمی در تضمین دقت، عدالت و انسان‌محوری در

12- Criteria-Based Content Analysis (CBCA)

این روش یکی از ابزارهای علمی در روانشناسی جنایی و روانشناسی قانونی است که برای ارزیابی اعتبار اظهارات و شهادت‌های کلامی، به‌ویژه در موارد حساس مانند آزار جنسی کودکان، استفاده می‌شود. این روش بر پایه این اصل استوار است که گزارش‌هایی که بر اساس تجربه واقعی بیان شده‌اند، از لحاظ محتوایی و ساختاری، ویژگی‌هایی دارند که در اظهارات ساختگی یا دروغ کمتر دیده می‌شود. برخی از مهم‌ترین ملاک‌های مورد ارزیابی عبارت‌اند از: جزئیات خاص در روایت، توصیف‌های غیر کلیشه‌ای، توالی منطقی وقایع، اشاره به احساسات شخصی، تصدیق ناآگاهی یا تردید. خودتصحیحی در روایت این تحلیل معمولاً به‌عنوان بخشی از روش بزرگ‌تری استفاده می‌شود که شامل سه مرحله است: مصاحبه، تحلیل و ارزیابی اعتبار روان‌شناختی

تصمیم‌گیری قضایی ایفاء می‌کند. این شاخه از روانشناسی با تحلیل علمی و تخصصی رفتار مجرم، انگیزه‌ها، شخصیت، وضعیت روانی و شناختی او، زمینه‌ای فراهم می‌سازد تا قاضی در زمان صدور حکم نه تنها به جنبه‌های قانونی جرم، بلکه به ابعاد روانی و اجتماعی ارتکاب آن نیز توجه داشته باشد.

روانشناسی جنایی به دادگاه‌ها کمک می‌کند تا میان جرائم ارتكابی ناشی از بیماری‌های روانی، اختلالات شخصیت یا ناتوانی در درک و اراده و جرائم آگاهانه و عامدانه تفاوت قائل شوند. این تفکیک در بسیاری از نظام‌های حقوقی همچون ایران و فرانسه، می‌تواند منجر به صدور حکم معافیت از مسئولیت کیفری، کاهش مجازات یا ارجاع مجرم به مراکز درمانی و روان‌درمانی به جای زندان شود. بررسی وضعیت روانی متهم از طریق کارشناسی روان‌شناختی یا روان‌پزشکی قانونی، ابزار مهمی برای قاضی در تعیین شدت، نوع و حتی محل اجرای مجازات محسوب می‌شود (التاویلا، ۱۳۹۶، ۴۲۷).

همچنین، روانشناسی جنایی در مرحله اجرای حکم نیز اهمیت ویژه دارد. در مواردی که مجرم دارای اختلالات روانی یا مشکلات رفتاری است، اجرای حکم زندان ممکن است نه تنها ناکارآمد، بلکه آسیب‌زا باشد. بنابراین، دادگاه می‌تواند با نظر کارشناسان روانشناس، اجرای مجازات جایگزین مانند نگهداری در مراکز درمانی، تعلیق مجازات مشروط به درمان یا انجام خدمات اجتماعی را مقرر کند. افزون بر این، ارزیابی‌های دوره‌ای روانی از مجرم در طول دوران تحمل کیفر، برای تصمیم‌گیری درباره آزادی مشروط، کاهش مدت حبس یا اقدامات بازپرورانه مؤثر است.

در مواردی که جرم ارتكابی با خشونت شدید یا رفتارهای ضداجتماعی همراه باشد، روانشناسی جنایی از طریق تحلیل خطر بازگشت به جرم^{۱۳} در تعیین میزان تهدید برای جامعه نقش دارد. این ارزیابی می‌تواند مبنای تصمیم‌گیری برای اعمال اقدامات تأمینی مانند مراقبت پس از آزادی، محدودیت‌های رفتاری یا الزام به درمان مستمر قرار گیرد. ادغام دانش روانشناسی جنایی در روند صدور و اجرای حکم، باعث ارتقاء سطح عدالت فردی و اجتماعی، پیشگیری از صدور احکام غیرمتناسب و تحقق هدف نهایی مجازات یعنی اصلاح و بازپروری مجرم می‌شود، نه صرفاً تنبیه او (Melton, 2017, 564).

۳- آثار روانشناسی جنایی در تعیین مجازات

آثار روانشناسی جنایی در تعیین مجازات، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین پیوندهای میان علوم رفتاری و نظام کیفری، به‌طور جدی در فرایند دادرسی کیفری مورد توجه قرار گرفته است. در بررسی مجازات‌های کیفری، مفهوم «فردی کردن مجازات» نقش مهمی در تطبیق مجازات با خصوصیات بزهکار ایفاء می‌کند. این اصل که شامل نهادهایی مانند تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات است، به بررسی شخصیت مجرم و روانشناسی جنایی می‌پردازد تا مجازات‌ها متناسب با ویژگی‌های فردی هر مجرم تعیین شوند. این رویکرد، با در نظر گرفتن نوسانات مسئولیت کیفری بر اساس شخصیت بزهکار، تلاش می‌کند تا عدالت را در تعیین مجازات‌ها به‌صورت فردی‌تر و دقیق‌تر اعمال کند.

در نظام‌های حقوقی مدرن، مجازات به‌عنوان ابزار اصلاح و بازپروری، نیازمند تطابق با ویژگی‌های روانی و شخصیتی مجرم است. بر این اساس، روانشناسی جنایی نقشی تعیین‌کننده در تشخیص این نکته دارد که آیا مجرم در زمان ارتکاب جرم دارای اختلال روانی یا نقص در فرایندهای شناختی، عاطفی و رفتاری بوده است یا خیر؟ این بررسی، از طریق ارزیابی‌های بالینی، مصاحبه‌های ساختاریافته، آزمون‌های روان‌سنجی و تحلیل پیشینه رفتاری انجام می‌شود (داراب پور، ۱۴۰۲، ۱۳۵).

چنان‌چه مشخص گردد فرد دچار اختلال روانی شدید است که توان درک نادرستی عمل خود یا کنترل آن را از او سلب کرده، قاضی می‌تواند او را از مسئولیت کیفری معاف یا مشمول مجازات‌های درمان‌محور کند. در مواردی که اختلال خفیف‌تر بوده یا نقش آن در ارتکاب جرم نسبی است، دادگاه ممکن است تخفیف مجازات را اعمال کند یا مجازات جایگزین مانند اقامت اجباری در مراکز روان‌درمانی را مقرر سازد.

افزون بر این، روانشناسی جنایی در ارزیابی خطر تکرار جرم نیز نقش محوری دارد. با تحلیل الگوهای رفتاری مجرم، شدت تمایلات پرخاشگرانه، فقدان همدلی، یا گرایش‌های ضداجتماعی، روانشناس می‌تواند گزارشی ارائه دهد که تعیین‌کننده میزان تهدید فرد برای جامعه است. این ارزیابی ممکن است منجر به صدور مجازاتی سنگین‌تر به‌منظور حفظ امنیت اجتماعی یا اجرای اقدام تأمینی نظیر الزام به درمان

طولانی مدت گردد. همچنین، در تعیین مجازات اطفال بزهکار یا نوجوانانی که هنوز به بلوغ کامل روانی نرسیده‌اند، نقش روانشناسی جنایی بسیار حساس است. شناخت میزان رشد شناختی، درک اخلاقی و قابلیت تغییرپذیری رفتاری در این افراد، به دادگاه امکان می‌دهد از اعمال مجازات‌های صرفاً تنبیهی پرهیز کرده و بیشتر بر اقدامات تربیتی، روان‌درمانی، یا بازپروری تمرکز کند (Hollin, 2006, 45).

در برخی موارد، روانشناسی جنایی به‌شناسایی انگیزه‌های خاص مانند اعتیاد، آسیب‌های روانی ناشی از دوران کودکی، یا شرایط استثنایی زندگی فرد کمک می‌کند که ممکن است به‌عنوان عوامل مؤثر در تخفیف مجازات در نظر گرفته شوند. استفاده از یافته‌های روانشناسی جنایی در تعیین مجازات، عدالت کیفری را از شکل صرفاً قانون‌محور به سوی عدالت فردی و انسانی سوق می‌دهد. این رویکرد، امکان صدور احکامی متناسب با شخصیت و قابلیت اصلاح فرد را فراهم می‌سازد و به جای تکیه صرف بر انتقام یا عبرت‌گیری، هدف اصلاح، پیشگیری و بازاجتماعی کردن مجرم را در مرکز قرار می‌دهد.

۳-۱- اصل فردی کردن مجازات‌ها

اصلاح و درمان بزهکار، از جمله اهدافی است که در چهارچوب نگرش فایده‌گرایانه به ضمانت اجرای کیفری مطرح می‌شود و با ظهور علم جرم‌شناسی و پیشرفت مطالعات آن، بیش از پیش وارد قلمرو حقوق کیفری گردیده است.

اصلاح بزهکار به معنای در نظر گرفتن ویژگی‌ها و نیازهای روانی، جسمی و اجتماعی فرد در فرایند عدالت کیفری است، به طوری که پاسخ کیفری به جای تکیه صرف بر جنبه تنبیهی، رویکردی درمان‌محور به خود بگیرد. در این نگرش، واکنش نظام عدالت کیفری به جرم، نه بر اساس صرف ماهیت عمل مجرمانه، بلکه با توجه به آسیب‌ها و ویژگی‌های شخصیتی بزهکار شکل می‌گیرد. از این منظر، مجازات به سوی «فردی‌سازی» پیش می‌رود و عدالت کیفری به گونه‌ای «شخصی‌شده» در نظر گرفته می‌شود.

بر این اساس، در کنار پرونده قضایی و اسناد کیفری مربوط به جرم، «پرونده شخصیت» نیز جایگاه ویژه‌ای پیدا می‌کند. این پرونده با هدف بررسی جنبه‌های انسانی ارتکاب جرم تشکیل می‌شود و اطلاعاتی همچون پیشینه خانوادگی، سطح تحصیلات، وضعیت روانی و جسمی، انگیزه ارتکاب جرم، روابط فرد با

قربانی یا همدستان احتمالی و رفتار وی پس از ارتکاب جرم را در بر می گیرد.

شناسایی شخصیت بزهکار از طریق ابزارها و روش‌های تخصصی از جمله تست‌های فرافکن، الکتروآنسفالوگرافی^{۱۴}، بررسی‌های اجتماعی، فرهنگی و خانوادگی انجام می‌شود و نتیجه این ارزیابی‌ها به شکل نظریه‌های تخصصی از سوی روانشناسان، روان‌پزشکان و مددکاران اجتماعی به مقام‌های قضایی ارائه می‌گردد. این اطلاعات به قاضی کمک می‌کند تا مجازاتی متناسب با ویژگی‌های فردی و نیازهای اصلاحی بزهکار صادر کند. همچنین، در صورت اجرای مجازات سالب آزادی، اطلاعات مربوط به شخصیت فرد، راهنمای عمل نهادهای مسئول در زندان جهت اجرای هدفمند مجازات و بازپروری فرد خواهد بود. در نهایت، فردی‌سازی مجازات‌ها به معنای شناخت دقیق شخصیت بزهکار و تطبیق واکنش کیفری با آن است تا علاوه بر تحقق اهدافی چون تنبیه، بازدارندگی و اصلاح، عدالت قضایی نیز به شکل مؤثرتری اجرا شود (مدرسی فر، ۱۳۹۷، ۴۸).

۲-۳- نهاد تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات

نهادهای تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات، از مهم‌ترین ابزارهای سیاست جنایی قضایی هستند که با هدف فردمحوری، اصلاح بزهکار و پیشگیری از تکرار جرم در نظام‌های کیفری مدرن به کار گرفته می‌شوند. این نهادها مبتنی بر درک علمی از ماهیت رفتار مجرمانه، ویژگی‌های شخصیتی مرتکب و ظرفیت‌های بازپروری وی هستند و نقش روانشناسی جنایی در توجیه، ارزیابی و اعمال آن‌ها بسیار برجسته است.

در تعویق صدور حکم، دادگاه پس از احراز مجرمیت و ارزیابی شرایط فردی و اجتماعی متهم، تصمیم به صدور فوری حکم نمی‌گیرد و اجرای تصمیم نهایی را برای مدتی به تعویق می‌اندازد. در این دوره، وضعیت روانی، رفتاری و اجتماعی مرتکب تحت نظارت قرار می‌گیرد و به وی فرصت اصلاح و بازپروری داده می‌شود. این نهاد به‌ویژه در مورد بزهکاران فاقد سابقه کیفری، بزهکاران اتفاقی و افرادی که جرم ارتکابی آن‌ها ناشی از اختلالات روانی قابل درمان یا شرایط بحرانی موقت است، کاربرد دارد. ارزیابی روان‌شناختی بزهکار در این مرحله برای تشخیص احتمال بازگشت به رفتار مجرمانه، میزان ندامت

واقعی و آمادگی برای اصلاح، نقشی تعیین کننده دارد (قنبری، ۱۴۰۱، ۲۲).

در تعلیق اجرای مجازات، حکم کیفری صادر می‌شود ولی اجرای آن برای مدت مشخصی معلق می‌ماند تا رفتار آینده محکوم علیه در آن بازه زمانی بررسی شود. در این دوره، روان‌شناسی جنایی در شناسایی عوامل خطر بازگشت به جرم، سنجش سطح کنترل درونی، خودپنداره بزهکار، مهارت‌های مقابله با فشار اجتماعی و استرس و میزان پاسخ‌دهی به مداخلات تربیتی و روان‌درمانی، ایفای نقش می‌کند. چنانچه بزهکار بتواند در این دوره از ارتکاب جرم مجدد بپرهیزد و معیارهای رفتاری مشخصی را رعایت کند، اجرای مجازات منتفی خواهد شد. اما در صورت ارتکاب مجدد جرم یا تخلف از شروط تعیین شده، مجازات معلق به اجرا در می‌آید.

استفاده از این نهادها مستلزم ارزیابی چندوجهی شخصیت بزهکار از جمله ساختار روانی، میزان رشد اخلاقی، هوش هیجانی، اختلالات احتمالی شخصیتی یا روانی و شرایط محیطی مؤثر بر رفتار وی است. این تحلیل‌ها از طریق ابزارهای معتبر روان‌سنجی، مصاحبه‌های بالینی و بررسی سوابق زندگی شخصی و اجتماعی فرد به دست می‌آیند. روانشناس قضایی در این مسیر به قاضی در درک دقیق‌تر شخصیت مجرم و پیش‌بینی رفتار آینده او کمک می‌کند. تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات نه صرفاً ابزارهای تخفیف یا عطوفت قضایی، بلکه سازوکارهایی عقلانی و علمی برای تفکیک میان مجرمان خطرناک و قابل اصلاح‌اند که با اتکاء بر یافته‌های روانشناسی جنایی به‌طور مؤثری به هدف اصلاح و بازپروری فرد بزهکار کمک می‌کنند و از بازتولید جرم در جامعه می‌کاهند (Raynor, 2024, 287).

۳-۳- تغییر مسئولیت کیفری با توجه به شخصیت بزهکار

تغییر مسئولیت کیفری با توجه به شخصیت بزهکار یکی از جلوه‌های بارز گرایش نوین عدالت کیفری به سوی شخصی‌سازی پاسخ کیفری و درک عمیق‌تر از علل فردی ارتکاب جرم است. در این رویکرد، مسئولیت کیفری دیگر صرفاً بر پایه انجام یک رفتار مجرمانه به شکل عینی و قانونی ارزیابی نمی‌شود، بلکه مبتنی بر بررسی ویژگی‌های روان‌شناختی، زیستی، تربیتی و اجتماعی بزهکار نیز هست. این دگرگونی برخاسته از تأثیر علوم رفتاری به‌ویژه روانشناسی جنایی و جرم‌شناسی نوین است که نشان داده‌اند همه

افراد با شرایط مشابه، دست به ارتکاب جرم نمی‌زنند و بنابراین نمی‌توان مسئولیت کیفری را صرفاً به ارتکاب فعل زیان‌بار نسبت داد.

شخصیت بزهکار در این تحلیل، نه به‌عنوان یک مفهوم اخلاقی، بلکه به‌عنوان یک ساختار روانی و رفتاری مورد توجه قرار می‌گیرد؛ ساختاری که در تعامل با محیط، تجربیات دوران کودکی، هوش، کنترل تکانه، ساختار هیجانی، اختلالات روانی و نیز هویت اجتماعی شکل گرفته است. در مواردی که بررسی روان‌شناختی نشان می‌دهد فرد دچار نقص در درک، کنترل رفتار یا تشخیص نادرستی از واقعیت‌ها بوده است، مسئولیت کیفری او دگرگون می‌شود؛ یا به‌طور کامل از میان می‌رود^{۱۵} یا تخفیف می‌یابد.^{۱۶} به بیان دیگر، بزهکاری در این چهارچوب نه نتیجه یک انتخاب آزادانه صرف، بلکه حاصل تعاملات پیچیده زیستی، روانی و محیطی تلقی می‌شود (مظفری اناری و امینی زاده، ۱۴۰۱، ۲۷۵).

از این منظر، مسئولیت کیفری در برابر مجرمانی که اختلالات روانی، نارسایی‌های شناختی، یا آسیب‌های تربیتی شدید دارند به‌گونه‌ای متفاوت از سایر افراد تعیین می‌گردد. در چنین حالتی، هدف عدالت کیفری از تنبیه و ارباب به درمان، بازپروری و مداخله روانی-اجتماعی تغییر می‌یابد. این تغییر موجب ورود ابزارهای نوین ارزیابی همچون تست‌های روان‌سنجی، مصاحبه‌های بالینی و بررسی‌های روان‌پزشکی به فرایند دادرسی شده و نقش متخصصان علوم رفتاری را در تحلیل مسئولیت کیفری بزهکار برجسته کرده است.

در نتیجه، تعیین مسئولیت کیفری دیگر یک فرایند مکانیکی مبتنی بر وقوع رفتار مجرمانه نیست، بلکه امری پویا و چندلایه است که نیازمند تحلیل دقیق شخصیت فرد و عوامل شکل‌دهنده رفتار او است. این تحول زمینه‌ساز شکل‌گیری نظام‌هایی چون مسئولیت کیفری نسبی، مسئولیت متغیر یا حتی جایگزینی مجازات با مداخلات روان‌درمانی و اصلاحی شده است. هدف، ایجاد پاسخ کیفری متناسب با واقعیت روانی-اجتماعی بزهکار است؛ پاسخی که افزون بر تأمین عدالت، احتمال بازسازی فرد با جامعه را نیز افزایش دهد (Spaans, 2011, 378).

۱۵- در حالت عدم تمیز

۱۶- در حالت کاهش تمیز یا اراده

۴ کاربرد شخصیت مجرمانه در قلمرو حقوق کیفری

در مقررات کیفری ایران، ماده‌های قانونی متعددی به نحوی به ضرورت‌شناسایی و بررسی شخصیت بزهکاران اشاره دارند، از جمله بندهای سوم و پنجم ماده ۲۲، بند «ب» ماده ۲۵ و ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ و نیز ماده اول قانون اقدامات تأمینی و تربیتی مصوب ۱۳۳۹.

بر این اساس، در رسیدگی‌های کیفری، علاوه بر پرونده اصلی که حاوی اطلاعات مربوط به جرم، دلایل و مستندات قانونی است، لازم است پرونده‌ای جداگانه تحت عنوان «پرونده شخصیت» نیز تشکیل شود. این پرونده به قاضی کمک می‌کند تا با شناخت دقیق‌تری از شرایط و ویژگی‌های شخصی متهم، رأیی متناسب با اوضاع وی صادر نماید. برای تهیه این پرونده، همکاری جمعی از متخصصان نظیر جرم‌شناسان، کارشناسان کیفرشناسی، مددکاران اجتماعی، روانشناسان و روان‌پزشکان ضروری است. گزارش‌های حاصل از بررسی‌های این کارشناسان، به صورت مکتوب در پرونده شخصیت بزهکار ضمیمه می‌شود. این روند به قاضی امکان می‌دهد تا با لحاظ شخصیت متهم، واکنشی مناسب از نظر نوع و میزان مجازات را که در قوانین جزایی پیش‌بینی شده، اعمال کند.

مهم‌ترین نکاتی که باید در این پرونده درج گردد عبارت‌اند از: وضعیت جسمانی، ساختار بدنی و ویژگی‌های زیستی متهم؛ نتایج معاینات روانی و بررسی اختلالات روحی یا رفتاری؛ وضعیت خانوادگی، اخلاقی، اجتماعی، فرهنگی و پیشینه تربیتی متهم. برای دستیابی به این اطلاعات، اقداماتی نظیر موارد زیر انجام می‌شود: تکمیل برگه تحقیق و ارزیابی شخصیت توسط مددکاران اجتماعی دارای تخصص در روانشناسی، جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی؛ معاینه پزشکی جهت تشخیص بیماری‌های جسمی، اعتیاد، مشکلات هورمونی و عوامل زیستی تأثیرگذار بر رشد و رفتار؛ ارزیابی روان‌پزشکی با تمرکز بر ناهنجاری‌های عصبی و مغزی و ثبت فعالیت‌های الکتریکی مغز؛ اجرای تست‌های روانشناسی و روان‌کاوی توسط متخصصان؛ سنجش هوش و میزان توانایی فرد در سازگاری با محیط، به‌عنوان یک عامل ذهنی که ممکن است در نتیجه عوامل محیطی مختل شده باشد.

در مجموع، تشکیل پرونده شخصیت، ابزاری مهم برای تحقق عدالت فردی شده در دادرسی کیفری به شمار می‌رود (مدرسی فر، ۱۳۹۷، ۳۸).

۵ آثار روانشناسی جنایی در حقوق فرانسه

در حقوق فرانسه، روانشناسی جنایی نقشی عمیق و تحول‌آفرین ایفاء کرده است و آثار آن در جنبه‌های گوناگون دادرسی کیفری و سیاست جنایی مشهود است. دو مورد از مهم‌ترین آثار آن به شرح زیر است:

۵-۱- شخصی‌سازی مجازات و ارزیابی صلاحیت کیفری

شخصی‌سازی مجازات و ارزیابی صلاحیت کیفری با تکیه بر بررسی روان‌شناختی بزهکار در حقوق فرانسه، یکی از مظاهر پیشرفته تلفیق دانش روانشناسی با فرایند دادرسی کیفری است. این رویکرد که ریشه در اصول جرم‌شناسی فردمحور و دفاع اجتماعی نوین دارد، در صدد آن است که مجازات‌ها نه صرفاً بر اساس نوع جرم، بلکه با لحاظ وضعیت ذهنی، شخصیتی و روانی مرتکب تعیین شوند. در این نظام، بزهکار نه فقط به‌عنوان ناقض قانون، بلکه به‌مثابه فردی با ویژگی‌های خاص مورد بررسی قرار می‌گیرد.

در فرانسه، طبق اصول دادرسی کیفری و به استناد ماده 4-11 R از «قانون بهداشت عمومی»، قاضی می‌تواند در صورت لزوم برای روشن شدن وضعیت روانی متهم، دستور ارجاع وی به متخصصان روان‌پزشکی یا روانشناسی جنایی را صادر کند. این ارزیابی‌ها توسط کارشناس رسمی دادگاه^{۱۷} انجام می‌شود و شامل تحلیل سلامت روان، قابلیت درک نادرستی عمل، توانایی تشخیص خوب از بد و خطر بالقوه تکرار جرم است (Delacrausaz & Jacques, 2012, 443).

نتایج این ارزیابی ممکن است نشان دهد که فرد در زمان ارتکاب جرم دارای اختلال روانی بوده است که در این صورت می‌تواند منجر به کاهش مسئولیت کیفری یا حتی رفع کامل آن شود.^{۱۸} همچنین، در مواردی که مسئولیت کیفری پابرجاست ولی ویژگی‌های روانی متهم به گونه‌ای است که تحمل مجازات زندان مؤثر نیست یا خطر تکرار جرم بالا است، قاضی می‌تواند به‌جای حبس، اقدامات درمانی، مراقبتی یا

17- expert judiciaire

۱۸- طبق ماده ۱۲۲-۱ از قانون جزای فرانسه

ناظرانه را اعمال کند. این شخصی سازی نه تنها در صدور حکم بلکه در اجرای آن نیز مطرح است. برای مثال، امکان دارد در حکم، الزام به پیگیری درمان روانی، مشاوره رفتاری یا پرهیز از مصرف مواد مخدر قید شود. همچنین، برای نوجوانان بزهکار، حضور روانشناس در روند دادرسی الزامی است تا اطمینان حاصل شود تصمیم قضایی بر پایه درک عمیق تری از بلوغ روانی و اجتماعی فرد اتخاذ شده است. این رویکرد که متأثر از دیدگاه‌های روان پزشکی قانونی و روانشناسی قضایی است، به عدالت کیفری ابعادی انسانی تر و بازپرورانه تر می‌بخشد و با هدف اصلاح و بازپذیری اجتماعی بزهکار، از اقدامات تنبیهی کور فاصله می‌گیرد (Lamb & Weinberger, 2005, 534).

۵-۲. طرق پیشگیری از تکرار جرم

در نظام حقوق کیفری فرانسه، پیشگیری از تکرار جرم^{۱۹} از طریق بازپروری روانی - اجتماعی^{۲۰} و مداخلات درمانی^{۲۱} یکی از ارکان اصلی سیاست کیفری معاصر محسوب می‌شود. این رویکرد نه تنها به مجازات صرف متکی نیست، بلکه بر اصلاح و درمان بزهکار به‌ویژه در صورت وجود اختلالات روانی، رفتاری یا اعتیاد تمرکز دارد. نخست، بر اساس ماده L. 611-1. به بعد از قانون سلامت عمومی^{۲۲} و نیز ماده ۱۳۲-۱۹ و ۱۳۲-۲۴ از قانون جزا^{۲۳}، قاضی موظف است در هنگام صدور حکم، امکان استفاده از جایگزین‌های زندان از جمله نظارت درمانی^{۲۴}، مراقبت اجباری پزشکی^{۲۵} یا کار اجباری بدون مزد^{۲۶} را مورد بررسی قرار دهد، در صورتی که مجرم نیاز به بازپروری روانی یا اجتماعی داشته باشد. در مواردی که بزهکار دچار اختلالات روانی یا وابستگی به مواد مخدر یا الکل باشد، قاضی می‌تواند طبق ماده ۷۰۶-۱۳۶ از آیین دادرسی

-
- 19- la prévention de la récidive
 - 20- réinsertion psycho-sociale
 - 21- interventions thérapeutiques
 - 22- Code de la santé publique
 - 23- Code pénal
 - 24- suivi socio-judiciaire
 - 25- injonction de soins
 - 26- travail d'intérêt général

کیفری^{۲۷}، شخص را ملزم به انجام درمان‌های اجباری تحت نظارت قضایی کند. این درمان ممکن است شامل روان‌درمانی فردی، دارودرمانی، درمان گروهی یا شرکت در برنامه‌های رفتاری - شناختی باشد.

همچنین، نهاد اجرایی SPIP^{۲۸} مسئول طراحی برنامه‌های بازپروری فردی، آموزش اجتماعی، حمایت روانی و پیگیری درمانی مجرمان در داخل یا خارج از زندان است. این نهاد با همکاری متخصصان روانشناسی، مددکاران اجتماعی و روان‌پزشکان برای کاهش خطر تکرار جرم تلاش می‌کند. در فرانسه، همچنین مراکزی ویژه‌ای^{۲۹} برای نگهداری و درمان بزهکارانی که خطر بالای تکرار جرم دارند، طراحی شده که بر پایه تلفیق کنترل قضایی و مداخله درمانی پیشرفته عمل می‌کند.

در مجموع، نظام کیفری فرانسه با تکیه بر یافته‌های روانشناسی جنایی، سعی دارد بین حمایت از جامعه، حقوق قربانی و اصلاح بزهکار، توازن ایجاد کند و از طریق درمان روانی - اجتماعی، چرخه جرم را در سطح فردی و اجتماعی متوقف نماید (Paulet, 2006, 379).

نتیجه

مطالعه تأثیر روانشناسی جنایی بر ارتکاب جرم در حقوق ایران و فرانسه نشان می‌دهد که این شاخه از علم، نقشی تعیین‌کننده در تبیین علل فردی بزهکاری و تحلیل عمیق شخصیت بزهکاران دارد و در نظام‌های حقوقی مختلف به‌ویژه در فرانسه، جایگاهی کاربردی و ساختارمند یافته است. در حقوق فرانسه،

27- Code de procédure pénale

28- Service pénitentiaire d'insertion et de probation

29- Centres socio-médico-judiciaires de sûreté

در نظام قضایی فرانسه مراکزی ویژه هستند که برای نگهداری، درمان و نظارت بر بزهکارانی تأسیس شده‌اند که خطر بالای تکرار جرم دارند و نیازمند مداخلات تخصصی ترکیبی از جنبه‌های اجتماعی، پزشکی و قضایی هستند. این مراکز با هدف حفاظت از جامعه و بازپروری بزهکاران خطرناک، خدماتی همچون مراقبت روان‌پزشکی اجباری، حمایت اجتماعی، کنترل قضایی و برنامه‌های بازپروری فردی ارائه می‌دهند. در این مراکز، تیمی متشکل از روان‌پزشکان، روانشناسان، مددکاران اجتماعی و قضات همکاری می‌کنند تا با ارزیابی دقیق و مدیریت جامع، ریسک تکرار جرم کاهش یابد و مجرم به شکلی ایمن و کنترل‌شده تحت درمان و نظارت قرار گیرد. به بیان ساده، این مراکز به‌عنوان محل نگهداری درمانی، اجتماعی و قضایی بزهکارانی که در دیگر شرایط توان کنترل و درمان ندارند، عمل می‌کنند و به تعادل بین حمایت از جامعه و حقوق بزهکار می‌پردازند.

روانشناسی جنایی نه تنها در مرحله کشف جرم و تحقیقات مقدماتی، بلکه در ارزیابی صلاحیت کیفری، صدور حکم، تعیین نوع و شدت مجازات و همچنین در فرایند اجرای آن نقشی کلیدی ایفاء می‌کند. ایجاد نهادهایی مانند خدمات زندانبانی برای بازپذیری اجتماعی و نظارت تعلیقی و مراکز مراقبتی-درمانی قضایی برای تأمین امنیت^{۳۰} نمونه‌ای از این تلفیق نظام‌مند میان روانشناسی، عدالت کیفری و مداخلات درمانی است که به پیشگیری از تکرار جرم و بازپروری بزهکاران منتهی می‌شود. این نهادها با تکیه بر ارزیابی‌های روانی، امکان شخصی‌سازی مجازات و اتخاذ رویکردهای اصلاح‌گرایانه را فراهم می‌سازند.

در حقوق ایران نیز توجه به جنبه‌های روان‌شناختی در اسناد قانونی به‌ویژه در قوانین مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ قابل مشاهده است، اما در عمل، فقدان نهادهای تخصصی، کمبود نیروهای کارآزموده در حوزه روانشناسی کیفری و عدم ارتباط مؤثر میان نظام قضایی و کارشناسان روانشناسی، مانعی در مسیر بهره‌گیری کامل از ظرفیت‌های این علم است. اگرچه در مواردی مانند تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، یا ارزیابی مسئولیت کیفری نابالغین به برخی مؤلفه‌های روان‌شناختی توجه شده، اما این موارد اغلب به‌صورت موردی و بدون پشتوانه ساختاری اجرا می‌شوند.

در نتیجه، برای بهره‌برداری مؤثرتر از روانشناسی جنایی در سیاست جنایی ایران، لازم است این علم در کلیه مراحل دادرسی کیفری نهادینه شود. توسعه آموزش‌های میان‌رشته‌ای برای قضات، تشکیل مراکز تخصصی ارزیابی روانی و پیش‌بینی ساختارهای قانونی برای بهره‌گیری از نظر متخصصان روانشناسی در کنار قاضی، می‌تواند زمینه‌ساز نظام کیفری فردمحور، بازپرورانه و مبتنی بر پیشگیری مؤثر از تکرار جرم شود. رویکردی که در حقوق فرانسه تا حد زیادی به آن دست یافته‌اند و می‌تواند الگویی راهبردی برای اصلاح سیاست کیفری ایران در دهه‌های آینده باشد.

پیشنهاد

در ادامه چند پیشنهاد کاربردی و علمی برای بهبود بهره‌گیری از روانشناسی جنایی در سیاست کیفری و فرایند دادرسی در ایران با الگوبرداری از تجربیات حقوق فرانسه ارائه می‌شود: نهادینه‌سازی ارزیابی

روان‌شناختی بزهکاران در مراحل دادرسی؛ تأسیس مراکز تخصصی روان‌پزشکی-قضایی مشابه فرانسه؛ توسعه خدمات بازپذیری اجتماعی و روانی برای محکومان؛ تدوین دستورالعمل‌های قضایی مبتنی بر ارزیابی روان‌شناختی.

ملاحظات اخلاقی: موارد مربوط به اخلاق در پژوهش و نیز امانتداری در استناد به متون و ارجاعات مقاله تماماً رعایت گردیده است.

تعارض منافع: تعارض منافع در این مقاله وجود ندارد.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین اعتبار مالی نگارش یافته است.

منابع

فارسی

- اسکندری، فائزه و جلیل نژاد، نگین، ۱۴۰۳، اهمیت روانشناسی جنایی در جامعه مدرن، **دومین کنفرانس**

بین‌المللی روانشناسی و مدیریت سلامت.

- التاویلا، اتریکو، ۱۳۹۶، **روانشناسی قضایی**، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپ پنجم، تهران، انتشارات مجد.

- بارتول، کورت آر، ۱۴۰۲، **روانشناسی رفتار جنایی**، ترجمه محمدجعفر ساعد، چاپ دوم، تهران، انتشارات گنج دانش.

- داراب پور، مهرباب، ۱۴۰۲، **روانشناسی ساده قضایی**، چاپ اول، تهران، انتشارات گنج دانش.

- سیدین بروجنی، زهره و خوانین زاده، حسین، ۱۴۰۰، تأملی بر قواعد حاکم بر کشف جرم از منظر قانون آئین دادرسی کیفری و اسناد بین‌المللی، **فصلنامه گارآگاه**، شماره ۵۵.

- قنبری، محمد، ۱۴۰۱، الگوهای نوین جرم‌یابی در پرتو آموزه‌های روانشناسی جنایی، **فصلنامه کارآگاه**، شماره ۶۱.

- کانتر، دیوید، ۱۴۰۳، **روانشناسی جنایی**، ترجمه مریم مهذب، چاپ سوم، تهران، انتشارات آوند دانش.

- کی‌نیا، مهدی، ۱۴۰۳، **مبانی جرم‌شناسی**، چاپ بیستم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.

- گسن، ریموند، ۱۳۷۰، **مقدمه‌ای بر جرم‌شناسی**، ترجمه مهدی کی‌نیا، چاپ اول، تهران، انتشارات مهدی کی‌نیا.

- مدرسی فر، سیدداوود، ۱۳۹۷، تأثیر متقابل روانشناسی جنایی، جزا و آیین دادرسی کیفری، **پایان نامه**

کارشناسی ارشد حقوق کیفری و جرم‌شناسی.

- محمدیان، سارا و محمدرضایپور، بابک، ۱۳۹۲، لزوم تشکیل پرونده شخصیت در فرایند دادرسی کیفری

ایران، **فصلنامه پزشکی قانونی ایران**، شماره ۶۸.

- مقدسی، محمدباقر، ۱۳۹۶، اعتبار ادله گردآوری شده توسط ضابطان دادگستری در نظام کیفری ایران،

فصلنامه پژوهش‌های امنیتی-حفاظتی، شماره ۲۳.

- مظفری اناری، مهدی و امینی زاده، محمد، ۱۴۰۱، مفهوم و مبانی جرم شناختی معامله اتهامی در نظام عدالت

کیفری، **فصلنامه پژوهش‌های حقوقی**، شماره ۵۰.

لاتین

- Akers, Ronald L, 2013, *Criminological theories: Introduction and evaluation*. Routledge.
- Bonta, James, and Donald Arthur Andrews, 2023, *The psychology of criminal conduct*. Routledge..
- Delacrausaz , Philippe, and Jacques Gasser, 2012, *La place des instruments d'évaluation du risque de récidive dans la pratique de l'expertise psychiatrique pénale: l'exemple lausannois*, *L'information psychiatrique* 6.
- Granhag, Pär Anders, and Maria Hartwig, 2008, *A new theoretical perspective on deception detection: On the psychology of instrumental mind-reading*, *Psychology, Crime & Law* 14.3.
- Hauch, Valerie, et al, 2017, *Can credibility criteria be assessed reliably? A meta-analysis of criteria-based content analysis*, *Psychological Assessment* 29.6..
- Hollin, Clive, 2006, *Criminal behaviour: A psychological approach to explanation and prevention*, Taylor & Francis..
- Kikalishvili, M, 2015, *Sociological Theories of Deviant Behavior*, *Bull. Taras Shevchenko Nat'l U. Kyiv Legal Stud*, 101.
- Lamb, H. Richard, and Linda E. Weinberger, 2005, *The shift of psychiatric inpatient care from hospitals to jails and prisons*, *Journal of the American Academy of Psychiatry and the law Online* 33.4.
- Lilly, J. Robert et al, 2018, *Ball. Criminological theory: Context and consequences*. Sage publications..
- Meissner, Christian A., and Justin S. Albrechtsen, 2009, *Detecting lies and deceit: Pitfalls*

and opportunities.

- Melton, Gary B., et al, 2017, Psychological evaluations for the courts: A handbook for mental health professionals and lawyers, Contemporary Psychology 43.
- Paulet, Catherine, 2006, Réflexions sur les objectifs et les conditions du soin psychiatrique en milieu pénitentiaire, Perspectives Psy 45.4.
- Raynor, Peter, 2024, Book review: The psychology of criminal conduct.
- Scheff, Thomas J, 2019, Discovering Sociology, Teaching Sociology 20.3.
- Silver, Ian, and Joseph L. Nedelec, 2019, The anatomy of violence: The biological roots of crime.
- Spaans, Marleen, et al, 2011, Diagnosis of antisocial personality disorder and criminal responsibility, International journal of law and psychiatry 34.5.
- Tierney, John, and Maggie O'Neill, 2013, Criminology: Theory and context. Routledge.
- Vahia, Vihang N, 2013, Diagnostic and statistical manual of mental disorders 5: A quick glance, Indian journal of psychiatry 55.3.



Legal Civilization

ISSN: 2873-1841
ISSN: 2873-1922

No.25- Autumn 2025

- Exploring the Possibility of Establishing Crimes Against Humanity from the Unilateral US Sanctions Against Iran
Homayoun Mafi, Morteza Pourazai
- Analysis of Blockchain Based Smart Contracts from the Perspective of the United Nations Convention on Contracts for the International Sales of Goods
Aria Ebrahimi, Sobhan Tayebi
- Artificial Intelligence and the Criminal Law System: An Analysis of Responsibilities and Implications
Hadi Jamshidi Far, Mehdi Jafarian, Roghayeh Jafarian
- Digital Transformation of Criminal Justice in the Light of Digital Justice: The Synergistic Function of Emerging Technologies
Seyed Alireza Mirkamali, Seyed Mostafa Hosseini Dastjerdi
- The Legal Status of Joint Inventions and the Extent of Ownership and Possession of the Inventors in Them
Saeed Molavi, Narjes Darbani Chelche
- Contractual Obligations in Cross-Border E-Commerce and the Challenges of Their Enforcement in International Arbitration with Emphasis on International Treaties
Ehsaneh Vosoughi Monfared, Mohammad Ali Kefaei Far
- An Analysis of the Involvement of Moral Theories in Criminal Law
Iraj Morvati, Saeid Ahmadi, Negin Bahadori Jahromi
- The Need to Criminalize the Possession of Miners in Iran (Comparative Study)
Mahdi Rajaiean, Shadi Chegini
- The Relationship between Human Dignity and the Goals of Punishments in Criminal Law
Amirhasan Abolhasani, Sattar Fakhraei, Zeinab Ghaderi
- Analyzing the Concept of Right to the Child in Imami Narrations: A Critique of the Concept of Custody in Jurisprudence and Family Law
Hojjatollah Dehghani
- Comprehensive Legal System of the National Iranian Oil Company (NIOC) SAHN; a Strategic Transformation in the Intelligent Legal Governance of Iran's Oil Industry
Sayyed Hojjatollah Alamolhoda, Mohammad Mahdi Asadi
- Basic Principles of Insurance and its Consequences on Intention to Cause Damage
Mohammad Kamali, Mohammadali Jahani, Hamidreza Salimi
- Analysis of the Causes of Delinquency Among Children and Adolescents in Iranian Criminal Law
Sayyed Ahmad Peyrovnaziri, Amirreza Mahmoudi
- Examining the Validity and Admissibility of Modern Communication Tools in the Process of Proving Crime in the Iranian Legal System
Alireza Bagheri Hassanabadi
- Criminal Liability of Notaries Public: Analysis of Legal Challenges and Preventive Solutions in the Iranian Registration System
Ayoub Rahimi
- The Concept of Public Interest in the Light of John Stuart Mill's Utilitarianism and Its Comparison with the Thought of Jeremy Bentham
Ahmadreza Soltanian
- Civil Liability for Robots and Artificial Intelligence: Legal Challenges and Solutions in the Age of New Technologies
Jeyran Ebrahimi
- Supportive Policymaking for Women's Victimization in the Family with an Emphasis on New Developments
Mahbobeh Talebi Rostami
- The Impact of Criminal Psychology on Committing Crimes in Iranian and French Law
Vahid Kioumars
- The Responsibility of States for Human Rights Violations by Private Security Companies on Foreign Missions
Mahdi Gharedaqi, Masoud Sarfarazi Saleh
- A Jurisprudential and Legal Study of the Condition for the Return of the Endowment to the Donor's Property
Habibolah Abdollah Poor, Hamidreza Namavar
- An Analysis of the Environmental Crimes of the United States of America and Israeli Aggression against the Islamic Republic of Iran
Javad Cheraghi
- Legal Analysis of the Role of Real Estate Consultants in Preserving Land Ownership Rights and Its Enforcement Challenges in Iran
Mohammad Ahmadi
- The International Criminal Courts Counteraction to the Spread of ISIS Crime
Javad Dashtian
- The Validity of the New York Convention in Iran's International Commercial Arbitration and the Arbitration Agreement with an Emphasis on the Commercial Concept
Ali Babapour Hamrahloo, Pouya Banihashem
- Ownership and Exploitation of Water in the Iranian Legal System
Ahmad Padidar, Yaser Sayyad Poor
- The Right to be Forgotten and its Effects on Contractual Relationships in Public Blockchains; a Comparative Analysis of Data Privacy in Iranian and European Law
Arefeh Ghasem Zadeh Dehabadi
- An Examination of the Legal Nature of Build-Lease-Transfer (BLT) Contract
Ali Zarei Jalalabadi
- The Role of the Lawyer in Preliminary Investigations in the Criminal Procedure Code
Alireza Deraei
- Identifying and Prioritizing Socio-Political Factors Affecting Begging in Zahedan
Mohammad Kamal Dadras
- Civil Liability of the State for Damages Caused by Delayed Proceedings
Ali Farahi
- The Impact of Government Economic Policies on Contractual Freedom in Private Markets
Radmehr Rahmani Golafshan
- A Historical Review of Criminalization of Armed Forces Crimes
Yasser Shakeri